

## دکتر حسین بحر العلومی

گروه زبان و ادبیات فارسی

### نامه نامی

در تیرماه سال ۱۳۵۳ ه.ش. در شماره اول سال بیست و یکم مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، تحت عنوان «صادق نامی و وامق و عذرای او» از زندگانی و خاندان میرزا محمد صادق نامی موسوی اصفهانی (متوفی در ۱۲۰۴ ه.ق.) وقایع نگار دولت کریمخان زند و مؤلف تاریخ گیتی گشا و همچنین درباره یکی از مثنویهای او به نام «وامق و عذرا» شرحی نوشتم و در آن مقاله یادآور شدم که «نامی» علاوه بر سرودن قصیده و غزل، روی به نظم مثنوی آورده و مجموعه مثنویهای خود را «نامه نامی» نامیده است.<sup>۱</sup>

در آن هنگام تنها مثنوی وامق و عذرای او را در دست داشتم و اکنون پس از پنج سال کوشش و کاوش، به یاری خداوند متعال چهار مثنوی او را (ازهریک چند نسخه) بدست آورده‌ام که در این سطور به اختصار به شرح آنها می‌پردازم و قبلاً قسمتی از آنچه را که دیگران درباره مثنویهای او نوشته‌اند نقل می‌کنم.

تذکره نویسان معاصر نامی و کسانی که پس از او درباره اش مطالبی نوشته‌اند همه اشاره کرده‌اند که وی مثنویهایی سروده است. آذر بیگدلی (متوفی به سال ۱۱۹۶ ه.ق.) که هشت سال پیش از وفات نامی در گذشته و از دوستان او بوده نوشته است: «نامی در فن نظم به مثنوی مایل [است] و مثنوی لیلی و مجنون و خسرو و شیرین و وامق و عذرا گفته، و بعضی دیگر در نظر دارد و این اشعار را در مثنوی خسرو و شیرین گوید، بد نگفته است:

غرورش کرد دعوی خدایی<sup>۲</sup>...

چو شیرین شهره شد در دلربایی

و بیست بیت از اشعار خسرو و شیرین را آورده است .

عبدالرزاق بیگک بن نجفقلی خان بن شهبازخان دنبلی خوئی تبریزی (متوفی در ۱۲۴۳ ه.ق.) متخلص به «مفتون» مؤلف کتابهای : مآثرسلطانیه ، نگارستان دارا ، حدائق ، و تجربه الاحرار و تسلية الابرار ، در نگارستان دارا نوشته است<sup>۳</sup>: «نامی مثنوی بسیار گفته: درج گهر . خسرو و شیرین ، لیلی و مجنون ، یوسف و زلیخا ، وامق و عذرا و قصاید و غزل نیز دارد و با مؤلف بسیار آشنا بود ، وی نیز ابیاتی از نامی و از جمله چند بیت از خسرو و شیرین او نقل کرده است . همین نویسنده در کتاب دیگر خود یعنی تجربه الاحرار و تسلية الابرار آورده است<sup>۴</sup>: «میرزا محمد صادق منشی موسوی اصفهانی... طبع صاف و زبان و صافش معجز بیان و سحر آثار ، در نظم اشعار تخلص «نامی» داشت و در برابر اشعار دلنشین و ابیات شیرین و گفتار نمکینش خسرو و دهلوی جز نامی نداشت و تاریخ دولت زندیه و مثنوی خسرو و شیرین و یوسف و زلیخا و لیلی و مجنون و وامق و عذرا و درج گهر و قصاید غرا و رسایل انشا و غزلیات حلاوت اثر از نتایج طبعش در بزم حریفان یادگار ، از اوست ، بیت :

به سینه دل ز جفای تو خون شود چندم

دل از امید وفای تو کاش می‌کندم

به سادگیم نگر کز بی هزار خلاف مطالعاتی و مطالبات

به وعده‌های دروغ تو باز خرسندم

میرزا ابوالحسن خان غفاری کاشانی یکی دیگر از معاصران نامی گوید<sup>۵</sup>: «نامی در فن شاعری به مثنوی گوئی مایل بوده و الحق در فن مثنوی احدی از شعرای متأخرین و معاصرین با وی برابری و همسری نمی‌توانست نمود و کتابی در مقابل خمسه نظامی به سلك نظم آورده ...».

رضاقلی خان هدایت آورده است<sup>۶</sup>: «نامی ... علی ای حال در فن نظم به مثنوی راغب بوده ، قصد تتبع خمسه داشته ، سه مثنوی که خسرو و شیرین و لیلی و مجنون و وامق و عذراست منظوم کرده ، وامق و عذرا دیده نگردید.»

چنانکه ملاحظه می‌شود آذر بیگدلی از سه مثنوی نامی یعنی لیلی و مجنون ،

خسرو و شیرین و وامق و عذرا نام برده و رضاقلی هدایت هم که مأخذش آتشکده بوده همان سه مثنوی را ذکر کرده و عبدالرزاق دنبلی در دو اثر خود، نگارستان دارا و تجربه الاحرار و تسلیة الابرار پنج مثنوی او را به نامهای: درج گهر، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، یوسف و زلیخا، و وامق و عذرا ذکر کرده است، اما کسانی که در این اواخر درباره این شاعر چیزی نوشته اند یا یکی دو مثنوی او را موجود دانسته و یا یاد آور شده اند که از مثنویهای او اثری در دست نیست. شادروان سعید نفیسی در مقدمه تاریخ گیتی گشا که آن را در سال ۱۳۱۷ ه.ش. تصحیح و طبع کرده، نوشته است: «میرزا محمد صادق نامی در میان شاعران قرن دوازدهم به فراوانی آثار ممتاز بوده است، از دیوان قصاید و غزلیات او اثری نیست. ظاهراً پنج مثنوی به تقلید خمسه گفته است که مجموعه آنها را «نامه نامی» نام نهاده... از خسرو و شیرین و وامق و عذرای او هر يك نسخه ای نزد من هست... و پس از شرحی درباره این دو مثنوی افزوده است که، دیگر از منظومات نامی مثنوی لیلی و مجنون است که در حدود دو هزار بیت دارد و بیت نخستین آن این است:

این نامه به نام آن خداوند      کز عشق بنای عالم افگند

از دو مثنوی دیگر خمسه نامی یعنی درج گهر و یوسف و زلیخا تاکنون اثری نیافته ام و درج گهر وی می بایست تقلیدی از مخزن الاسرار نظامی و به همان و زن و روش باشد...». در شماره اول مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم هم که در فروردین ماه ۱۳۳۶ ه.ش. منتشر شده درباره مثنویهای نامی نوشته اند: مجموعه آنها «نامه نامی» را تشکیل می داده اند ولی اینک از اشعار او جز بخشهای پراکنده در دست نیست<sup>۸</sup>.

چنانکه اشاره شد هم اکنون چهار مثنوی نامی یعنی خسرو و شیرین، درج گهر، لیلی و مجنون و وامق و عذرا در اختیار نگارنده است و مثنوی یوسف و زلیخای او را (اگر سروده باشد) تاکنون نیافته ام، و اینک درباره هر يك توضیح مختصری داده می شود.

۱ - خسرو و شیرین : مثنوی خسرو و شیرین نخستین مثنوی است که نامی بنظم آورده و به وزن خسرو و شیرین نظامی یعنی در بحر هزج مسدس مقصور سروده شده است و چنین آغاز می‌شود :

به نام آنکه در عنوان نامه      بود نامش نخستین نقش خامه  
جمال آرای یکران سخن نام      سخن آموز کلک بی لب و کام

و پس از این توحید و توحید دوم که بطریق خطاب سروده شده و مناجات و نعمت پیغمبر اکرم و ستایش حضرت علی (ع) و صفت معراج پیغمبر اکرم درباره سبب نظم کتاب گوید که در موكب کربمخان به شیراز آمدم و آن شهر را بس زیبا یافتم و در آنجا به تشویق بزرگ مردی به نظم این مثنوی پرداختم :

مرا در موكب سالار لشکر      خدیو ظلم سوز عدل پرور  
پناه دور و دارای زمانه      به همت فردودر بخشش یگانه  
وکیل قائم آل محمد (ص)      که دور دولتش بسا داد مخلص  
گذر افتاد سوی ملک شیراز      چه شیراز آنکه برجنت کنندناز  
مبارك منزلی از چشم بددور      بهشتی جایگاه جلوه حور

و پس از وصف شیراز و ذکر زیباییهای آن گوید که در آن شهر نزد بزرگی به نام حاجی آقاسی ماوا گرفتم .

فلاطون دانشی در هر هنر طاق      ارسطو فطنتی مشهور آفاق  
مقدس طینتی از هر بدی پاک      محیط دانش و دریای ادراک ...  
ز حسن خط و کلک سحر پرداز      تواند گر کند دعوی اعجاز  
هنر ور حاجی آقاسی که ایام      نماید فخر چون او را برد نام ...  
در آن کشور بر او جا گرفتم      به قرب لطف او ماوا گرفتم

این حاجی آقاسی که هنوز شرح حالی از او درجائی نیافته‌ام، وقتی از طبع وقاد نامی آگاه می‌شود او را به سرودن اشعار تشویق می‌کند و نامی هم به سرودن مثنوی آغاز می‌نماید و نخستین مثنوی خود را که مثنوی خسرو و شیرین باشد بنظم می‌آورد.

به بحر ژرف طبعم چون نظر کرد  
 دهانرا زین حکایت پر گهر کرد  
 که طبع عالیت بحر است موج  
 در او پنهان گهرها در خورتاج  
 روان بود که گوهرهای این گنج  
 بود پوشیده در طبع هنر سنج ...  
 بیازین درج گوهر مهر بردار  
 که گردنش بجان عالم خریدار  
 به فرمانش گشادم دراز این گنج  
 شدم از کلمک معنی را گهر سنج  
 به دست قدرت از مه تابه ماهی  
 بر افشاندم گهر چندان که خواهی ...  
 اگر چه بود این نظم نخستم  
 ورق از نظمهای جمله بستم

پیدا است که قول شادروان سعید نفیسی در اینکه خسرو و شیرین سومین منظومه  
 نامی بوده است صحیح نیست و به تصریح خود شاعر نخستین مثنوی او بوده است .  
 نامی مثنوی خسرو و شیرین را به آذر تقدیم کرده و خطاب به او گفته است :

الا ای آفتاب ذره پرور  
 چراغ بزم اهل نظم آذر  
 تویی کز لطف طبع سحر پرداز  
 سزاوارت بود دعوی اعجاز ...  
 من این رنجی که در این گنج بردم  
 به امید تو چندین رنج بردم  
 تویی از قدرت طبع گهر سنج  
 شناسای جواهرهای این گنج ...  
 در این کاری که من در پیش دارم  
 دلی از سختی آن ریش دارم  
 همیشه همت تو باد یارم  
 به یمن لطف آسان باد کارم

مثنوی خسرو و شیرین در حدود ۴۵۰۰ بیت است . از مثنوی خسرو و شیرین  
 نامی چهار نسخه در دسترس نگارنده است و یکی از آنها در تاریخ ۱۲۳۹ ه.ق.  
 یعنی ۳۵ سال پس از درگذشت نامی نوشته شده است و یکی از نسخه ها که بسیار مضبوط  
 و صحیح تحریر شده بدون تاریخ است .

۲ - درج گهر : دیگر از مثنویهای نامی «درج گهر» است که بر وزن مخزن  
 الاسرار نظامی و به پیروی از آن منظومه در بحر سریع سروده شده و در حدود هزار و  
 چهارصد بیت است ، در این مثنوی پس از توحید و مناجات و نعت حضرت خیرال بشر  
 و منقبت حیدر صفدر در سبب نظم کتاب گوید :

خوش سخنان بازغزلخوان شدند  
 کای به نوا بلبل باغ سخن  
 تا زگی از باغ سخن رفته است  
 سلسله نظم زشم ریخته است  
 خاصه فن مثنوی آن گنج راز  
 گشته سخنهای نظامی کهن  
 لب بگشا نظم سخن ساز کن  
 چونکه چنان مژده بگوشم رسید  
 دل بنهادم به بسی رنج و درد  
 از لب شیرین شکر افشان شدند  
 وی ز تو پر نور چراغ سخن...  
 رونق این طرفه چمن رفته است...  
 عقد معانی همه بگسیخته است  
 کس نگشوده درش از دیرباز  
 لب بگشا نامی جا دو سخن  
 ناله بکش زمزمه آغاز کن  
 بر فلک از شوق خروشم رسید  
 تا که بر آراستم این گنج چند

درج گهردارای ۱۲ عقد است و در هر عقد پس از شرح و بیان مقصود که غالباً از مسائل اجتماعی، اخلاقی و فلسفی است حکایتی لطیف می‌آورد. منظومه درج گهر با ساقی‌نامه‌ای به پایان رسیده است و در پایان آن گوید:

نامه نامی که بود نامدار  
 باد ز نامی به جهان بادگار

شرح و توضیح بیشتر درباره این مثنوی را برای فرصتی دیگر می‌گذارم.

۳- لیلی و مجنون - مثنوی لیلی و مجنون نامی در بحر هزج مسدس اُخرب مقبوض و به پیروی از لیلی و مجنون نظامی سروده شده است و در حدود دوهزار بیت می‌باشد، این مثنوی نیز با حمد خدا چنین آغاز می‌شود:

این نامد به نام آن جهاندار  
 کز عشق نهد بنای هر کار...

محمل کش این رونده محمل  
 زینت گر این خجسته محفل

در طره دلبران از او تاب  
 در دیده عاشقان از او آب

و پس از توحید دوم و سوم و نعت پیغمبر اکرم و صفت معراج آن حضرت و ذکر سبب نظم کتاب به داستان لیلی و مجنون آغاز می‌کند و در آن ریزه کاریها و افسونگریهای عجیب می‌نماید و از جمله لیلی را چنین وصف می‌کند:

چشمی و هزار فتنه همراه  
 رویی و هزار طعنه بر ماه

پاشیده به لاله سنبل تر  
 غارتگر لعل ارغوانسی  
 بر برگ سمن فشانده عنبر  
 خجالت ده آب زندگانی  
 بی سرمه سیاه چشم جادوش  
 گلگونه به خجالت از گل روش  
 این مثنوی که در فرصت دیگری به تفصیل از آن سخن خواهد رفت چنین به  
 پایان می‌رسد .

درد هر بهشتی و بهاری  
 ایزد به عنایت نهانش  
 نامی بگذاشت یادگاری  
 گردد زافت نگاهبانش  
 از چشم حسود بباد مستور  
 زان باد زبان بساوه گودور  
 از مثنوی لیلی و مجنون سه نسخه در دسترس نگارنده است که یکی از آنها در  
 پنجم جمادی الاول ۱۲۵۴ ه.ق. و یکی در بیست و سوم جمادی الاول ۱۲۶۱ ه.ق.  
 نوشته شده است.

۴- وامق و عذرا: درباره مثنوی وامق و عذرای نامی در مقاله‌ای که در شماره  
 اول سال ۲۱ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در تیرماه ۱۳۵۳  
 ه.ش. چاپ شده است. به تفصیل سخن گفته‌ام، این مثنوی که چنین آغاز می‌شود:

ای ز نامت نامه نامی بنام  
 چهارمین مثنوی نامی است و در سبب نظم آن گوید:

از مددکاری طبع سحر سنج  
 بهر چارم گنج بز می ساختم  
 چون که پر شد از درو گوهر سه گنج  
 خانه از نامحرمان پرداختم

مثنوی وامق و عذرا حدود ۱۸۰۰ بیت است و از آن شش نسخه در دسترس  
 است که یکی از آنها به خط شکسته بسیار زیبا در سال ۱۲۳۴ ه.ق. یعنی سی سال پس از  
 درگذشت نامی بوسیله سید محمد ابراهیم موسوی خوشنویس نوشته شده است.

درخواست من از خوانندگان گرامی این است که اگر مثنوی یوسف و زلیخای  
 نامی و یادیوان او را در جایی سراغ دارند به اینجانب نیز اطلاع دهند تا شاید به توفیق  
 ایزدمنان وسائل چاپ آثار این شاعر نامی نیز فراهم گردد.

## حواشی

- ۱- شماره ۱ سال ۲۱ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، تیرماه ۱۳۵۳.
- ۲- آتشکده آذربیکدلی چاپ دکتر سیدجعفر شهیدی صفحه ۴۲۰.
- ۳- نگارستان دارا تألیف عبدالرزاق بیک دنبلی، نسخه خطی کتابخانه ملک و ورق ۲۳۶ صفحه ۲ و ورق ۲۳۷ صفحه ۱ (نقل از مقاله رضاناوند، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم).
- ۴- تجربه الاحرار و تسلیمة الابرار به تصحیح و تحشیه حسن قاضی طباطبائی از انتشارات مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، بخش نخست صفحه ۱۳۵.
- ۵- گشن مراد تألیف شده در ۱۲۱۰ ه.ق.
- ۶- مجمع الفصحا، ج ۲ ص ۵۲۳-۵۲۴ (مقدمه کیتی گشا صفحه ح و خ)
- ۷- مقدمه کیتی گشا صفحه ح و خ.
- ۸- مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم شماره اول صفحه ۱۱۳ فروردین ماه ۱۳۵۶.
- ۹- درباره اینکه خسرو و شیرین نخستین مثنوی اوست خود گوید:  
اگر چه بود این نظم نخستم  
ورق از نظمهای جمله بستم